



رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی مازندران :

۳۰ درصد سوانح رانندگی مازندران سهم پر اید است

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی مازندران از پر اید به عنوان پرتصادف‌ترین خودروی جاده‌ها و خیابان‌های استان نام برد و گفت که در نیمه اول امسال سهم این خودرو در تصادفات...

صفحه ۷

باران باش و بیار، میرس کاسه های خالی از آن کیست «کوروش کبیر»



- مازندران
- گلستان
- گیلان



مدیر کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای مازندران خبر داد:

دهیاران یاوران ایمنی در جاده‌های روستایی مازندران

مدیر کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای مازندران گفت: دهیاران بهترین پتانسیل در روستاها برای بهبود وضعیت ترافیک و ایمن سازی جاده‌های روستایی هستند...

صفحه ۲

چهارشنبه ۱۷ مهر ۱۳۹۸ - ۱۰ صفر ۱۴۴۱ - ۹ اکتبر ۲۰۱۹ - شماره ۴۶۴ - صفحه ۱۰۰۰ - تومان

گزارش

تند شدن نبض خشکسالی در تالاب بین المللی میانکاله

پسروی آب دریای خزر به عنوان یکی از منابع اصلی تامین آب تالاب بین‌المللی میانکاله یکی از هفت ذخیره‌گاه زیست کره جهان در ایران در سال جاری، نبض خشکسالی را در تالاب تندتر کرد. بر اساس گزارش مرکز ملی تحقیقات دریای خزر مستقر در ساری، تراز آب این دریا در بهار سال جاری نسبت به بهار سال قبل (۹۷) به دلیل کم شدن ورودی آب رودخانه ولگا در روسیه ۱۲ درصد کاهش یافت و این وضعیت تأثیر خود را در پسروی تالاب بین المللی میانکاله به درستی نمایان کرده است به طوری که بنا به اظهار مسئولان محیط زیست تداوم پسروی در سنوات آینده می تواند مشکلات این ذخیره‌گاه را افزایش دهد.طبق گزارش های رسمی محیط زیست، در یک دهه گذشته ۱۵ تا ۲۰ درصد از مساحت ۴۴ هزار هکتاری تالاب بین‌المللی میانکاله که زمانی گذر از آن به دلیل پرآبی با قایق امکانپذیر بود، خشک شد و این تنش آبی می رود تا فاجعه زیست تداوم پسروی در سنوات آینده این منطقه و کشور در آینده ای نه چندان دور رقم بزند.بر اساس این گزارش‌ف طرح احیاء تالاب بین‌المللی میانکاله نیز با وجود اعتباری اختصاصی از سوی دولت تدبیر و امید به دلیل پسروی دریای خزر به عنوان منبع اصلی تامین آب تالاب و عدم اجرای طرح تامین حق آبه صرفا جلوی سرعت خشکی را گرفته و اثرات چندانی در احیاء نداشته است.با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید و در پی شمربخش بودن طرح احیاء دریاچه ارومیه، برنامه احیاء تالاب بین المللی میانکاله نیز در دستور کار قرار گرفت به طوری که در سال ۹۴ در نخستین نشست که برای این منظور به ریاست معاون اول رئیس جمهوری تشکیل شد، حدود ۶۰۰ میلیارد ریال اعتبار به تصویب رسید که قرار شد در یک پروسه زمانی پنج ساله در اختیار دو استان گلستان و مازندران قرار داده شود.بررسی ها نشان می دهد که تاکنون تنها ۱۵۰ میلیارد ریال معادل یک چهارم اعتبار به این دو استان اختصاص یافت که سهم استان مازندران کمتر از یک سوم بوده است.لایروبی تالاب های محلی حاشیه تالاب بین المللی میانکاله شامل لپوی بزرگ و کوچک، انتقال آب از دریای خزر با ایجاد کانال، لایروبی...

صفحه ۴

مهندس عبدالمهی سرپرست شرکت آب و فاضلاب شهری مازندران در گفتگوی اختصاصی با وارش:

رها سازی فاضلاب در خیابان غیر قانونی است

صفحه ۲



مازندران؛ میزبان سومین همایش قرآن و عترت سراسر کشور

صفحه ۸

تیترها

اجرای طرح غربا لگری جلوگیری از شیوع شپش در مدارس مازندران

صفحه ۴

مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مازندران :

عملیات احداث واحدهای سبل زده مازندران تا پایان آذر ماه به اتمام می‌رسد

صفحه ۷

شرط وزارت بهداشت برای حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی دارو

صفحه ۴

سنگنوی گاز گلستان خبر داد:

حضور مدیرعامل شرکت گاز استان گلستان در مرکز سامد استان

صفحه ۵

مذاکرات برجامی و درس هایی برای آینده

سرمقاله

مذاکره با آمریکا و اروپا در قالب مذاکرات موسوم به برجام،تصمیم نظام جمهوری اسلامی ایران(رهبری+دولت)، بود که البته اکثریت مطلق مجلس نیز با آن موافق بود. اکنون که این تجربه ذیقیمت در کارنامه سیاست خارجی ایران، جای گرفته است می توان درس هایی از آن آموخت: متن حاضر ، پاسخی به این پرسش است که از روند گذشته، چه درس هایی می توان آموخت؟

۱- برخی از محققان فراترگو و بسیاری از اندیشمندان و افرادی که به تعامل حداکثری با دنیا باورمند بوده و هستند، در گذشته و حال، چنین می اندیشند که می توان به مذاکره با آمریکا دل بست و با آمریکا مثل همه دولتهای بزرگ دیگر، طرح تنش زدایی ساخت.رئیس جمهور حسن روحانی نیز به پشتوانه درک و تجاریش، از جمله کسانی بود که بر این نظر بود که می توان با آمریکا مذاکره نمود و به نتایج مذاکرات، هم امیدوار و دل بسته بود.حسن روحانی مذاکره با کنخدا را توصیه می نمود. مذاکره با کنخدا(امریکا)، یک نظریه در مقابل مذاکره با کشورهای دست دوم،کم اختیار و پیرو(اروپا)، بوده است که احتمالا از تجربه دوره دبیری امنیت ملی روحانی و مذاکرات سعدآباد(۱۳۸۲)، حاصل شده بود. روحانی اتفاق زمانی که بر منصب ریاست جمهوری نشست، مذاکره با کنخدا را عملی نمود.

۲- محمدجواد ظریف چهره شاخصی بود که تجاریش او را به این باور رسانده بود که دنیای امروز دنیای چندجانبه گرایی است و بر همین اساس، چنین باور داشت که می توان در یک تفاهم جهانی و در قالب تعامل با اروپا و آمریکا، به یک نتیجه مناسب دست یافت. ظریف دنیای امروز را دنیایی فراتر از یک جانبه گرایی تصور می نمود.بعلاوه ظریف آمریکا را یک کل یکپارچه نمی دید بلکه معتقد بود در آمریکا هم گروههای سیاسی بدخیم و خوش خیم، و تندرو و کندرو وجود دارند. انتظار و امید ظریف این بود که در تفاهم با تعامل گرایان آمریکا(اوباما و کری)، می تواند به نتیجه قابل قبولی دست یابد.

۳- رهبر جمهوری اسلامی ایران، علیرغم موافقت با مذاکرات در قالبی که خود آنرا "نرمش قهرمانانه " صورت بندی نموده بود، از آغاز معتقد بودند آمریکایی ها-چه دموکرات و چه جمهوری خواه- اساسا به لوازم مذاکره و آداب مذاکره پای بند نیستند. باور رهبری چنین بود که آمریکایی ها، دستان مخملین را در مذاکره نشان می دهند اما رفتار گرگ صفتانه در پنهان انجام می دهند.مطابق چارچوب ذهنی رهبری و بدلیل بدگمانی به آمریکایی ها، دل بستگی به مذاکره به تنهایی کافی نبود. به همین جهت رهبر جمهوری اسلامی ایران پیش و هم زمان با مذاکرات، دو رویکرد مستقل و مکمل (سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و تقویت دفاع ملی)، را توصیه و پیشنهاد می کردند.

۴- حسن روحانی و ظریف علیرغم بدگمانی ها، موفق شدند با رعایت بسیاری از دغدغه ها و نظرات رهبری، توافق برجام را به تایید ۵+۱ برسانند و جمهوری اسلامی ایران نیز توانست در بازه ای از زمان از منافع این توافق مهم بهره مند

گردد.شاید اگر اوباما همچنان در مصدر کار می بود، فهم روحانی و فرضیه ظریف از مذاکره با آمریکایی ها و اروپا، اکنون به یک اصل تبدیل شده بود و شاید امروز می شد مقامات بلندپایه کاخ سفید را افرادی متعهد به توافقات توصیف نمود. اما آمدن ترامپ در کاخ سفید، پیش فرض ها و گزاره های ذهنی حسن روحانی و هم نظران او را واژگون کرد بدین سان که بنظر می رسد امروز حسن روحانی و ظریف و دیگر علاقمندان به مذاکره با آمریکا، به همان جایی رسیده اند که رهبر جمهوری اسلامی ایران قبلا بدانجا رسیده بود.

امروز حسن روحانی و ظریف هم بدگمان شده اند.امروز روحانی و ظریف و بسیاری دیگر(امید،اصلاحات، اعتدال و ...، نه از سر ترس که بواسطه درک جدیدشان، مذاکره با آمریکایی ها را مضر می دانند. حسن روحانی اکنون که تجربه مذاکره را از سر گذرانده است، در فهم جدیدش، به روشنی و صراحت، مذاکره با چاقوکش و دیوانه را حماقت تعریف می کند. روحانی کلید دار کنونی کاخ سفید را مصداق چنین توصیفی می داند.روشن نیست که آیا روحانی و ظریف پیش بینی چنین روزی را می کردند اما شواهدی در دست است که به باور این دو، رئیس جمهور بعدی آمریکا نمی توانست توافق را ناپود کند. گویی تصور اولیه این بود که سیستم منسجم سیاست خارجی آمریکا چنین اجازه ای به یک فرد(حتی در جایگاه رئیس جمهور)، نخواهد داد که توافقی بین المللی و چندجانبه را به تملیق درآورد.اروپا نیز همه اختیار و هویت خود را به آمریکا، گره نخواهد زد.

۵- گذشت زمان اما نشان داد در سیستم آمریکایی هم یک فرد می تواند توافقی جهانی و مورد تایید کنگره را ناپود کند! چیزی که کسی فکرش را هم نمی کرد.

به علاوه روشن شد چندجانبه گرایی هم آن قدر بلند و راسخ نشده است که اروپا هویت مستقل خود را از آمریکا به منصف ظهور برسانند.گویی همچنان جهان یک جانبه اداره می شود!

۶- در داستان مذاکرات برجامی با آمریکا و اروپا، یک نکته روشن شد و آن اینکه گذشت زمان نشان داد که دیدگاه مشروط رهبر جمهوری اسلامی ایران از مذاکره با آمریکا، درست بود.

از سیستم نسبتا معقول و منسجمی مانند آمریکا، انتظار نمی رفت که به ترامپ اجازه دهد برجام را با بیگانگی بسیاری و اگر اروپا قابل اتکاتر بود، نباید چنین میشد.گویی چندجانبه گرایی هم هنوز میوه هایش آن قدر رشد نکرده است که به آسانی قابل برداشت باشد!

بنابراین امروز این گزاره به راحتی قابل فهم است که آمریکایی ها اساسا در برابر ایران، عهدشکن اند و غیر متعهد.. تلخ تر اینکه عهدشکنی نه تنها در برابر ایران که در برابر جهان نیز برایشان قبیح نیست!..اروپایی های هم آنگونه که تصور می رفت، مستقل و شفاف نیستند!

البته در برابر چنین برداشت و گزاره ای، نظر دیگری هم وجود دارد. تعامل گرایان معتقدند که عملکرد برخی از گروه های داخلی ایرانی، منجر به واکنش فعلی آمریکا شده است و ایران می توانست برجام را با سیاست عاقلانه تری به شکل قبلی ادامه دهد. سنجش صحت چنین برداشتی البته به تامل و مطالعات مستقلاانه، نیازمند است.

۷- خیلی روشن نیست اگر هیلاری بجای دونالد می آمد، چه می شد. شاید حسن روحانی و ظریف خوش شانس نبودند که بجای کلینتون با ترامپ مواجه شدند..شاید اگر خلف صالح اوباما می آمد، فهم جدیدی از آمریکای متعهد و قابل اتکاء در ذهن ایرانیان و انقلابیون پدید می آمد و شاید در چنان صورتی می شد روی آمریکای جدید حساب باز کرد! اما دونالد تصویر دیگری را نشان داد و آن اینکه آمریکایی ها، مذاکره پذیر نیستند و یا مذاکره ای صرفا با شرایط خودشان را می خواهند.گویی حق با انقلابیون است که آمریکایی ها فقط زبان اقتدارگرایانه خود را می فهمند. به باور انقلابیون پایدار، آمریکایی ها اگر مذاکره پذیر بودند باید در برابر انعطاف های نسبی جمهوری اسلامی ایران، اندکی از لجاجت و اقتدارگرایی حداکثری شان دست می شستند.انقلابیون معتقد بوده و هستند که دولت فعلی یا جریان حاکم فعلی در آمریکا، ایرانی حقیر و مطیع را می پسندد، آمریکا ایرانی بسان حاکمان سعودی را دوست می دارد.. چیزهایی که اگر هم کسی بخواهد، مطابق روانشناختی و مولفه های جمهوری اسلامی ایران، امکان شکل گیری آن هم بسیار بعید و دشوار خواهد بود.البته یک نظر دیگری هم وجود دارد و آن اینکه آمریکا هم کشوری مثل عربستان و هم کشوری مانند ایران را می خواهد تا بتواند اسلحه هایش را بفروشد و با تجارت اسلحه، اقتصادش را رونق بخشد. اگر ایران عربستان شود در آن صورت سود اقتصاد آمریکا، از تجارت سلاح چگونه باید جبران شود؟

۸- اکنون که به رخ دادهای گذشته می نگریم، می فهمیم که گویی روحانی و رهبر جمهوری اسلامی ایران، فرضیه خود را به بوته آزمون گذارده بودند.رهبری انقلابی، نه به اصل مذاکره بلکه به آمریکا و اروپا چندان امیدوار نبودند اما روحانی و ظریف دیپلمات، خوش بین تر بودند، اگرچه که روحانی کنخدا را بر مباشران کنخدا ترجیح می داد. روحانی در ۱۳۹۲ مایل بود مدلس را به آزمون گذارد.روحانی دیپلمات و معتدل، اکنون مایل بود بجای مقابله با سیاست های آمریکا، با آمریکا مذاکره کند.بنظر ، او ترجیح می داد بجای انقلابی بودن، دیپلمات شود.ظریف هم چندجانبه گرایی اش را می آزمود.امروز اما پس از گذشت سال ها، هر دو فرضیه در بوته آزمایش و سنجش قرار گرفته اند!اگرچه هنوز آزمایشگاه و آزمایش دارد اما به نظر می رسد فرضیه بدگمانی به آمریکا در شرایط کنونی، از ابطال پذیری کمتری برخوردار است.گزاره متفن از تجربه سپری شده، این است که مذاکره خوب و لازم است اما جمهوری اسلامی ایران باید خود را در داخل هم مستحکم و استوار سازد.به عبارتی دیگر امروز می توانیم بر درستی نگاه ترکیبی(نگاه به داخل و نگاه به خارج)، تاکید و وفای نماییم. نگاه به خارج مفید اما کافی نیست./ فتح اله آقاسی زاده

مشترکین محترم:

مسدود شدن دودکش سبب سوخت ناقص و ایجاد گازهای خطرناک و باعث خفگی در اثر گاز گرفتگی می شود.

روابط عمومی شرکت گاز مازندران



مشترکین محترم:

با توجه به حذف چاپ قبض و پیامکی شدن قبض برق ، لطفا" جهت درج شماره تلفن همراه به یکی از روش های زیر اقدام نمایید :

۱-مراجعه حضوری با همراه داشتن قبض برق به واحد مشترکین امورهای توزیع برق

۲-ارسال پیامک عدد شناسه قبض به شماره ۱۰۰۰۹۱۲۱

۳-ثبت شماره موبایل از طریق سایت شرکت توزیع نیروی برق مازندران به آدرس www.maztozi.ir

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق مازندران

